

www.ketab.ir

سرود مردی که دوستت داشت

[شقایق‌های ژاک پره‌ور]

گایان: سپهریحوی



انتشارات سرزمین اهورایی
WWW.AHOORAPRESS.COM

Prevert, Jacques

فروست : شمر جهان : ۱۲

شماره: ۹۷۸-۶۰۰۴۷۹۲-۸-۸

وضعیت فهرست نویسی : فنیاً

عنوان دیگر: عاشقانه‌های ژاک پرودر.

موضوع: شعر فرانسه — قرن ۲۰ م. — ترجمه شده به فارسی

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- ترجمه شده از فراتسبه

شناسه افزوده : یحیوی، سپهر، مترجم

ردہ بندی کنندہ: ۱۳۹۱/۲/۹۸/۸ PQ۳۶۰۸

رده بندی دیویی : ۸۴۱/۹۱۲

شماره کتابشناسی ملی :

	[عاشقانه های زاک پسر - ور]	سرود مردی که دوست داشت
	برگردان سپهر یحیوی	
شعر جهان	تیراژ ۱۱۰۰ جلد دوازده	هر گونه برداشت از تصاویر و مطالب این کتاب منوط به اجازه ی کتبی از ناشر است
خدمات فنی کانون تبلیغاتی اهورا	قیمت: ۴۵۰۰۰ ریال چاپ جلد: مجتمع چاپ و صحافی مهتاب	مدیر هنری و طراح گرافیک مجید ضرغامی
انتشارات سرزمین اهورایی	دفتر مرکزی: ۲۲۸۶۶۵۸ ۲۲۸۶۶۵۹ ۲۲۸۶۶۵۸	زمستان ۱۳۹۲ مجید ضرغامی Info@Ahoorapress.com ۲۲۸۶۶۵۸ ۲۲۸۶۶۵۹ ۲۲۸۶۶۵۸

فهرست:

۷	سخنی به عنوان پیشگفتار
۱۱	رودخانه
۱۲	عاشقان خیانت شده
۱۳	بگامی
۱۴	این سه جلد
۱۵	نهر
۱۶	چهره پر مهر و موی طریش
۱۷	خرد ملت ها
۱۸	آرامش قبل از طوفان
۱۹	اعتراف می کنم به تقصیرم
۲۰	صبح
۲۱	مارمولک
۲۲	از مزایای آزادی
۲۳	کوتاه ترین آوازاها
۲۴	در می زنند
۲۵	تیرباران شده
۲۶	در آغوشم بگیر

۲۸	آشوب های شب
۳۰	سرودی زمستانی برای کودکی
۳۱	گریه و پرنده
۳۳	نگهبان فانوس دریایی پرنده ها رو خیلی زیادی دوست داره
۳۴	وقتی که تو خوابی
۳۷	آدم ها
۴۰	سرود
۴۳	شکوه سالار لانه
۴۴	نابودی پایت ها
۴۵	هر کسی کار خودش رو بدونه
۴۶	برای وطن
۴۷	صبحانه
۴۹	فصل داغ
۵۰	آلیکانتِه
۵۱	برای تو ای عشق
۵۲	من همان هستم که هستم
۵۳	این عشق
۵۷	سرود صیاد پرنده
۵۸	دختر فولادی
۵۹	ماسه های روان

نمی‌دانم آیا این چند ماهی که از زمان ویرایش و بازبینی در ترجمه‌ی این مجموعه (به همراه افزودن چندین شعر جدید و تمرکز بر روی عاشقانه‌های پره‌ور) بر اینجانب گذشته‌است، و با دو سالی که از زمان دست زدن به برگردان آثار این شاعر برای این سپری شده است، چه ضربه‌آهنگ‌کنندگی داشته، و یا به معنای دیگر، چه فاصله‌ای در درون من با ذهن و فکری تصویر-کلامی وی ایجاد کرده، که نوشتن یک پیش‌گفتار بر این مجموعه برایم این اندازه دشوار شد.

اشتباهم این بود که شاید می‌خواستم او را بیشتر بشناسم، و یا با فاصله‌گرفتن، به نوعی «نثاتی» و غیراحساساتی‌تر بنویسم؛ اما «فاصله‌ی زیاد» هم در زبان و یا از حیث مکان، می‌تواند انسان را به همان مقدار «فاصله‌ی کم» - و شاید هم اندکی افزون‌تر - از انسجام کلام و بی‌صرفی هم درآورد.

باری، از بار تقدیر نمی‌توان گریخت، و اگر به پهای فریب خوشتن یا دیگران؛ پس «قسمت» نگرش این مجموعه - دست‌کم به عنوان سهم مترجم - را، که تسلیب پیدا کرده است، باید پذیرفت و بر دوش گرفت. ولی این ضرورت در این حال موجب سکوت در برابر وضعیت حاضر برای نگارنده نیست؛ تعلیق ناشی از تجربه‌ی جدیدی به نام «اسباب‌کشی»، بر عذر دسترسی به منابع کافی و نیز نیافتن صفحه‌ای که سابق بر این در پیرامون موضوع مورد بحث (یعنی زندگی و آثار پره‌ور، با تکیه بر عاشقانه‌ها و عشق‌های او) نگاشته بودم، مزید می‌شود

و «مشکلی» پدید می‌آورد که گشودن آن - یا کوشش در این راه - محور مطلب حاضر را پدید آورده است.

پرهور را به درستی بزرگترین شاعر مردمی فرانسه - در کنار «پُل الوار» کبیر - در سده‌ی بیستم میلادی دانسته‌اند. آری، پرهور مردمی بود و مردمی ماند، متعهد بود و متعهد ماند. این دو صفت نه فقط از نقطه‌نظر «زبان» به وی قابل انتساب است، بلکه - و به میزانی محسوس‌تر و محکم‌تر - از زاویه‌ی محتوا سخن نیز قابل دفاع و بررسی‌ست. پرهور، از زمان انتشار «در ره‌ها» در ۱۹۴۷، تا واپسین سروده‌های خود، نگاه نقاد یک درنگ‌گر در پیش‌پا نی‌ها، طلب را از دست نداد؛ ذهن جوشان یک هنرمند آفرینشگر را سد نکرد؛ نخ‌های اتصال یک متفکر مبارز را با قلب داغ اجتماع، پیوندهای یک انسان را با پی‌بست‌های وجودی و بنیادی زندگی قطع نکرد.

از زمان سرودن شعر نفس‌گیر «کوششی برای توصیف یک شام سران در پاریس-فرانسه» در ۱۹۳۱ (۱) در ضمن، نخستین قطعه‌ی «گفتارها»ی وی نیز هست؛ تالیفی که در ۱۹۷۰، در پی‌دیدار شارل دوگل و ژنرال فرسکو شش «تورسیم» را سرود، پرهور یک نفس - و البته با پُک‌های پی‌گیر سگاری که از لبانش نمی‌افتاد و سرانجام هم کارش را ساخت - به انسان بودن خود ادامه داد. شاید بگویید که «خوب، که چه خوب» گفت: «بله؛ برای یک روشنفکر فرانسوی، انسان‌ماندن متأسفانه چندان کار آسانی نیست، به ویژه در فرانسه‌ای که در دو مقطع پس از پایان جنگ دوم و پس از فرجام به ظاهر خجسته‌ی یک جنگ سرد، از استقلال خود نسبت به ایالات متحده کاست.»

بگذارید سخن خود را به دنیای پُر وسوسه‌ی سیاست نکشانیم،

و دامنه‌ی آن را در جهان پُر وسوسه‌ی عشق، با محدوده‌های بی‌نهایت‌اش - نگه‌داریم. اما نکته‌ای که می‌خواهم هر چه سریعتر بدان بپردازم، درست در همین حوزه قرار دارد: در نزد انسان - شاعری چون پره‌ور - و نیز بدون شک الوار و بسیاری دیگر، به ویژه نرودای بزرگ و زیبا - عشق و سیاست نمی‌توانند زیستی یکسره جداگانه داشته باشند. به راستی چگونه می‌توان بی‌واسطه‌ترین نیاز عاطفی - جسمانی انسان و پرواسطه‌ترین عرصه‌ی حیات متنوع و فوق‌غامض او، یعنی میان عشق از یک‌سو و سیاست از سوی دیگر، قائل به انفضالی فراخ بود؟ مگر نه این که انسان هست، عشق هست، و لاقلاً تا زمانی که نهادی به نام سیاست هست، سیاست هست؟

اجازه دهید گفتار خود را به‌هموده به درازا نکشانم، بخصوص از آن جهت که بنا به پیش‌گفتار باشد، و نه پس‌گفتار. همچنین از خوانندگان عزیز می‌خواهم از ارائه‌ی اطلاعات بیوگرافیک طفره روم؛ علت این امر، همانا وجود داده‌های - هرچند پردازش‌نشده‌ی - تا حدی کافی در زبان فارسی‌ست، و این که خواننده‌ی فارسی‌زبان با پره‌ور آشنایی است. همین بس که بگوییم ژاک پره‌ور، شاعر و فیلم‌نامه‌نویس فرانسوی، در تاریخ چهارم فوریه ۱۹۰۰ در نویی - سور - سن - دنیس و در یازدهم آوریل ۱۹۷۷ در اومون‌ویل - لا - پوتیت درگذشت. سوررئالیست‌های دارودسته‌ی برتون پیوست و پس از پندی از آنان گسست. آثار او بیش از هر شاعر فرانسوی معاصر دیگر در دبستان‌های فرانسه و کشورهای فرانسه‌زبان آموزش داده می‌شود. او را می‌توان به راستی «بازیگر واژگان»، یا حتی «جادوگر واژگان» نامید.

از ژاک پرهور بالغ بر ده دفتر شعر، حدود ده کولاژ (کلام و تصویر)، چندین کتاب کودکان، و بیش از چهل فیلم‌نامه، همگی به زبان فرانسوی، باقی مانده است. مجموعه‌ی آثار شعری وی را انتشارات گالیمار در دو مجلد (هر یک در حدود هزار و پانصد صفحه، جزو کلکسیون کتابخانه‌ی پلیاد)، در دهه‌ی نود میلادی به چاپ رسانید.

اشاره‌ی ژاک پرهور سرشار از اشارات سیاسی-اجتماعی، و انباشته تلمیحات فرهنگی-زبانی است؛ امری که نه تنها ترجمه‌ی آن به «زبان» همگ «های دوردست، بلکه حتا گاه درک درست و به نسبت کامل آن را - اگر نه ناممکن، دست کم - دشوار ساخته است.

در گزیده‌ی حاضر این کتاب عاشقانه‌ی به نظم آزاد یا به نثر پرهور، اشعار بلند و پربر کنایات، بازی‌های زبانی وی کنار گذاشته شد، و کوشیدیم بعضی از سروده‌های ساده‌تر و جذاب‌تر پرهور را - که پیشتر هم شاید به فارسی برگردانده شده باشند - در زبان فارسی بازآفرینی نماییم.

سپهر یحیی

تهران، نیمه‌ی اسفندماه ۱۳۹۱